**روحانیت و زیّ طلبگی**

پدید آورنده : رضا عیسی نیا ، صفحه 10

|  |
| --- |
| شأن یا شؤون روحانی (اعم از تحصیل، تحقیق، تألیف، تدریس، افتاء، ارشاد، تبلیغ، امامت جماعت، اجرا و مدیریت و ...) هر چه که باشد، روحانی وقتی که در جایگاه مهندسی آموزش، مهندسی پژوهشی، مهندسی تبلیغ و مهندسی اجرا قرار می گیرد باید مواظب باشد که اندیشه اسراف، خوشگذرانی و ... را از ذهنش بیرون کند زیرا اگر اندیشه اسراف، خوشگذرانی و مجالس شب نشینی در مغز یک محصل دینی (مثلاً) پیدا شود و کوچکترین تمایلی به این امور نشان بدهد سقوطش حتمی است. و چون اینان رهبر جامعه هستند، به تبع آن، سقوط جامعه هم حتمی خواهد بود امام خمینی روحانیت را از مواردی چون: 1 - بالاتر نرفتن زندگی روحانیت از مردم عادی؛ 2 - زیاد نشدن تشریفات (ماشین و ساختمان)؛ 3 - عدم گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا؛ 4 - پرهیز از مصرف گرایی و رفاه زدگی و حرکت در مسیر دنیا توجه می دهد که مبادا اسیر چنین چیزهایی گردند، زیرا ورود به چنین فضایی مساوی خواهد بود با از دست دادن مشروعیت چند صد ساله روحانیت. با توجه به مباحث فوق، تهدیدات اجتماعی، جامعه امن روحانیت را بصورت زیر دنبال می کنیم.  **1 - دنیاطلبی و خروج از زی طلبگی**  برای فهم اینکه خروج از زی طلبگی چه میزان تهدیدی برای روحانیت در سطح اجتماعی به حساب می آید، لازم است که ابتدا از موضوعات زیر بحثی به میان آورده شود. موضوعاتی چون الف) شاخصه های زی طلبگی چیست؛ ب) حدود شأن روحانیت در نگاه امام خمینی چه می باشد؟؛ ج) چرا امام خمینی (رهبر روحانیت انقلابی) روحانیت را به این توجه می دهد. و چه اندازه خود به این ویژگی عامل بوده است (سیره عملی امام خمینی در تحقق زی طلبگی) د) قلمرو زی طلبگی در عصر حاضر چیست؟ و بی توجّهی به زی طلبگی چه تبعاتی را بهمراه خواهد داشت؟  **الف) شاخصه های زی طلبگی**  برای بیان شاخصه های زی طلبگی ابتدا لازم است که معیاری ارائه دهیم چون خیلی از چیزها حرمتی در آن نیست ولی چون روحانی در آن جایگاه هست نباید آن را دارا باشد بنابراین اگر معتقد باشیم که زهد و تقوا یعنی داشتن اهدافی که به خاطر آن، ضوابط و حدومرزها و ترمزهایی برای روحانیت ایجاد می شود که موجب می گردد که از برخی از خطوط تجاوز نکند اگرچه آن چیزها حلیت داشته باشد. فلذا داشتن مسکن زیبا و وسیع اگرچه حرمتی ندارد ولی اگر جامعه ای مردمانشان نیازمند به یک مسکن چهل یا پنجاه متری باشند داشتن مسکنی هزار متری برای روحانیت می تواند شکنندگی داشته باشد. بر این اساس می توان شاخصه های زیر را برای زی طلبگی نام برد.  1 - اولین شاخصه این است که زندگی روحانیت نباید بالاتر از مردم عادی باشد. (هم سطح بودن زندگی روحانیت با زندگی مردم عادی)؛  2 - عدم گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا «تجمل گرایی باعث تباهی معنویت، پژمرده شدن نهال دانش، خدمت به ستمکاران و گریز از مبارزه و مقاومت و رو به ضعف نهادن ارزش ها و سستی در بنیان های معنوی خواهد شد؛  3 - پرهیز از اسراف، خوشگذرانی و مجالس شب نشینی، «اگر اندیشه اسراف، عیاشی و مجالس شب نشینی در مغز یک محصل دینی پیدا شود و کوچکترین تمایلی به این امور نشان بدهد سقوطش حتمی است؛  4 - پرهیز از مصرف گرایی و رفاه زدگی، حرکت در مسیر دنیا، امام خمینی در این باره به روحانیت این هشدار را می دهند که «کسانی که سرمنشاء کارهای بزرگ شدند و در میدان فقه و فلسفه و اجتماع پیشتاز بودند، ساده زندگی می کردند و در خانه های کوچک و تهی از امکانات معمولی، کتاب های پرارزش نوشتند و شاگردان بنام تربیت کردند، صاحب جواهر و شیخ انصاری زندگی ساده و بی پیرایه داشتند و شیخ عبدالکریم حائری و شیخ ابوالقاسم قمی و شیخ مهدی و میرزا محمدتقی برقعی و میرزا محمد ارباب که آن همه برکت ها به دستشان جاری شد، ساده زندگی می کردند. باید مواظب باشید که هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله ای هم نمی تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. بنابراین چون دنیاگرایی و رفاه طلبی مانع سازندگی و ابزار منحرف کننده روحانیت خواهد بود. فلذا لازم و بایسته است که مربیان حوزه، معلمان اخلاقی حوزه، باید دائماً مواظب باشند و زنگ خطری را برای طلبه ها به صدا درآورند تا خلوص و زی طلبگی حفظ شود؛ چون خلوص برای خدا و اخلاص در عمل عنصر اصلی سازندگی تحصیلات حوزه و روحانیت است به ویژه در دوران ما، چون روحانیون در مشاغل حساس قرار می گیرند، و این جایگاه ضمن این که امید و نشاط به زندگی طلبگی می دهد ممکن است که انگیزه های مادی هم ایجاد کند و به آن خلوصی که در گذشتهِ روحانیت بود صدمه وارد کند فلذا امام می گویند: «شما آقایان باید خود را برای حفظ امانت الهی مجهز کنید، امین شوید، دنیا را در نظر خود تنزل دهید، البته نمی توانید مثل حضرت امیر(ع) باشید که می فرمود دنیا در نظر من مثل عطسه بز است، لیکن از حطام دنیا اعراض کنید، نفوس خود را تزکیه کنید، متوجه به حق تعالی شوید، متقی باشید، اگر خدای ناکرده برای این درس می خوانید که فردا به نوایی برسید نه فقیه خواهید شد و نه امین اسلام خواهید بود.  **ب) حدود و شأن روحانیت از نگاه امام خمینی**  امام خمینی ما را به این مطلب مهم توجه می دهد که روحانیت برای خود شئونات را در جامعه اختیار کرده است فلذا باید خیلی مواظبت کند که این شئونات را بواسطه ساختارهای جدیدی که خودشان ایجاد می کنند یا در جامعه ایجاد می گردد براحتی از دست ندهند. ایشان می گویند «مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند، زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را پیاده کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است اگر خدای نخواسته مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند، عمارت درست کرده اند و رفت وآمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان.  با این وجود اکثر مردم جامعه ما، براین باورند (درست یا غلط) که در مقطعی که زندگی می کنیم، روحانیت برخلاف توصیه های امام مشی کرده و زندگی می کنند چرا که روحانیت وضع زندگی خوبی نسبت به سایر مقاطع پیدا کرده است که احتمال این است که آن مایه سلامت و خودسازی که روحانیت در زندگی گذشته خود داشته از دست بدهد و یا حدود و شأن روحانیت شکسته شود. اما سئوالی که اینجا جای طرح دارد این است که اگر سطح زندگی روحانیت و طلبگی امروز نسبت به گذشته بهتر شده و بالاتر رفته است آیا نفس بهتر شدن تهدید محسوب می گردد یا اینکه نفس زندگی امروزی چنین اقتضاءاتی را دارد؟ اگر زندگی امروزین چنین اقتضاءاتی را دارد بنابراین آیا روحانیت امروزه نیاز به تعریف مجدد از شأن و جایگاه خود دارد؟ و آیا چنین تعریفی را از خود ارائه نموده است؟  برخی بر این باورند که زندگی امروزین باید چنین تفاوتی با زندگی گذشته روحانیت داشته باشد اما نباید این تغییر طوری باشد که باعث تغییر روحیه سالم دوران تحصیل طلاب شود. اما سؤالی که هنوز مطرح و باقی است این است که ساده زیستی یعنی چه و مرز آن کدام است؟ اینکه امام خمینی فرموده اند از زی طلبگی خارج نشوید و اهل تجمل نباشید و زهد داشته باشید یا زهد بورزید تا حرمتتان نزد مردم محفوظ بماند، یعنی چه؟ و یا اینکه آیة اللّه هاشمی رفسنجانی می گوید که روحانیت در دوران جدید نوعِ زندگی شان با طلاب قدیم تفاوت دارد ولی باید مواظب بود که این تغییر و تفاوت باعث تغییر روحیه سالم دوران تحصیل طلاب نشود، یعنی چه؟ و چه چیزی از آن اراده می گردد. و برخی هم بر این باورند که روحانیت با اینکه وارد قدرت شده ولی زی طلبگی خود را فراموش نکرده است اینان بر این باورند که اگرچه برخی از روحانیون گرفتار دنیازدگی شده اند ولی تعداد این گونه افراد به عدد انگشتان است، ولی به دلیل بهره مندی بیشتر از اموال، این گمان در میان مردم رایج شده که آخوندها وقتی به قدرت رسیدند، دیگر آخرت را فراموش کردند. در مقابل این گمان رایج، این افراد اظهار می دارند که در طول 27 ساله انقلاب اگر روحانیانی که وارد نظام شدند به حرف های امام خمینی عمل کردند (حرف امام این بود که برای کسانی که تزکیه نشده باشند، قدرت خطرناک است فلذا به روحانیون توصیه می کردند که مواظب خودتان باشید تا وقتی که به قدرت می رسید، این خطر دامن تان را نگیرد.) به خصوص افرادی که در حوزه های بزرگ و تحت تربیت امام بودند، زندگی شان با قبل تغییر نکرده است مثلاً زندگی آیة اللّه مؤمن که در شورای نگهبان است ایشان حتی حقوق هم نمی گیرد. در برابر این عده ای از افراد چند مسأله مطرح می گردد که یا افکار رایج و گمان شایع در میان مردم، واقعیت ندارد و ساخته و پرداخته دشمنان اسلام و روحانیت است یا اینکه واقعیت دارد در هر دو صورت تهدیدی علیه روحانیت محسوب می گردد که باید روحانیت جهت رفع آن تهدید اقداماتی صورت دهد مثلاً امام معتقدند که باید در رأس برنامه های تحصیلی روحانیت برنامه اخلاقی و برنامه های تهذیبی باشد. چرا که قدم اوّل، تصحیح خود است، سپس جامعه، آدمی که خودش آدم صحیحی نیست نمی تواند دیگران را تصحیح کند هر چه هم بگوید فایده ندارد. وقتی معمم، ملا، مهذب نباشد، فسادش از همه کس بیشتر است در بعضی روایات هست که در جهنم بعضی ها، اهل جهنم از تعفن بعضی روحانیین در عذاب هستند و دنیا هم از تعفن بعضی از اینها در عذاب است.  برخی این گفتار امام خمینی ـ زهد ورزی داشته باشید تا شأن و حدود شما بین مردم حفظ شود ـ را به دو گونه روایت کرده اند.  1 - زهد وسیله ای برای کسب محبوبیت و مقبولیت نزد مردم می شود و بعبارتی دیگر زهدورزی مطلوب است چون برای روحانیان حرمت دنیایی می آورد. این نویسنده اظهار می دارد که چون چنین زهدی دنیا دارانه است نه دیندارانه، پس مشکل بتوان سخن امام خمینی را بر این معنا حمل کرد.  2 - قرائت دوّمی که از توصیه امام شده، قرائت دیندارانه است در این قرائت زهدورزی مطلوب است نه از آن جهت که برای روحانیان حرمت دنیایی می آورد بلکه بدین جهت که علمای دین باید به گونه ای زندگی کنند که معلوم باشد از طریق دین ارتزاق نمی کنند دین نباید منبع ارتزاق کسی بشود هیچ کس نباید حتی منافع مشروع خود را از طریق دین تأمین کند. این مفسر کلام امام می گوید عالمان دین دو راه بیشتر ندارند یا برای ارتزاق و گذران زندگی باید از راه مستقلی بروند و یا باید تن به سختی و عسرت بدهند، که این با زهدورزی نزدیکتر است چرا که به گواهی تاریخ پاره ای از علمای دین در نهایت عسر زندگی می کردند و این لازمه رسالت آنان بود.  **ج) چرا امام روحانیت را به زهدورزی توجه می دهد (سیره عملی و مشی امام در تحقق زی طلبگی)**  اینکه چرا روحانی باید زی طلبگی را حفظ کند؟ در پاسخ می توان گفت که چون او مبلغ و معلم و رهبر مسلمانان است چون او امانتدار و جانشین پیامبران است و امین اللّه است چون او نایب امیرالمؤمنین است و ... بنابراین چنین کسی باید منزه از دنیاطلبی باشد و کسی که چنین مناصب مهمی را به عهده می گیرد و ولی امر مسلمین می باشد نباید برای دنیا دست و پا کند، هر چند در امر مباح باشد. اگر اینکار را کند، دیگر امین اللّه نیست، و نمی توان به او اطمینان کرد.  و چون اکثر روحانیتِ مهذب، این امر را پذیرفته اند که بی قناعت، عدل ممکن نشود، بنابراین همه اقتدار و عظمت و محبوبیت و قداست روحانیت، برخاسته از اخلاص و تقوا و خدمتگذاریِ مخلصانه و زاهدانه آنان به اسلام بوده است بنابراین از دست دادن این افتخار یعنی ایجاد تهدید علیه روحانیت توسط خودِ روحانیت. روحانیت زمانی که در حاشیه بود همواره به زهد و قناعت و ساده زیستی مفتخر بوده است و زمانی که در متن قرار گرفته هم باید این افتخار را تداوم بخشد و کاری کند که در چشم مردم خاشع و متواضع و به دور از ناز و تکبر جلوه کنند.  در جامعه اسلامی، مردم بر این باور می باشند که روحانیان باید مانند پیامبر(ص) و حضرت امیر(ع) ساده و بی تکلف زندگی کنند و از مواهب زندگی کمترین بهره را ببرند. البته روحانیت باید توجه داشته باشد که در متن بودن (درون قدرت بودن) با مردم بودن و ساده زیستن، کار بسیار مشکلی خواهد بود و کار ستودنی و باارزشی خواهد بود وگرنه در حاشیه بودن (و به دور از قدرت بودن) و ساده زیست کردن ارزشی نخواهد داشت. امام خمینی معتقد بودند که روحانیت چه زمانی که در حاشیه است و چه زمانی که در متن است باید زی طلبگی را حفظ کنند چون در صورت عدم حفظ زی طلبگی با شکست اسلام مواجه خواهیم شد، نه فقط، با شکست روحانیت، فلذا می گویند: «اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می شوید برای اینکه مردم می گویند ببینید آنوقت نداشتند که مثل مردم زندگی می کردند امروز که دارند و دستشان می رسد از مردم فاصله گرفتند امام اعراض از دنیا را بخاطر عدم تسخیر قلب ها توجیه می کند چون می گویند «مهم توجه قلبی است، داشتن مال، خانه، مهم نیست، مهم این است که قلب انسان را اینها تسخیر نکنند اینکه مال اندوزی و ثروت اندوزی مذموم است برای این است که دل انسان را می کشاند به طرف غیرخدا. امام خمینی، خروج از زی طلبگی و گرایش به تشریفات را موجب سقوط روحانیت و از بین رفتن بنیه فقهی و جامعه اسلامی دانسته و می گویند: وقتی تشریفات زیاد شد محتوی کنار می رود، وقتی ساختمان ها و ماشین ها و دم و دستگاه ها زیاد شد موجب می شود بنیه فقهی اسلام، صدمه ببیند، یعنی با این بساطها نمی شود شیخ مرتضی و صاحب جواهر تحویل جامعه داد این موجب نگرانی است. و واقعا نمی دانم با این وضع چه کنم؛ این تشریفات باعث آن می شود که روحانیت شکست بخورد، ایشان با اذعان به آلوده شدن روحانیت به دنیازدگی می افزایند که زندگی صاحب جواهر را با زندگی روحانیون امروز که بسنجیم خود می فهمیم که چه ضربه ای به دست خودمان به خودمان می زنیم.  **د) تبعات عدم توجه به زی طلبگی**  اگر یکی از کار ویژه های روحانیت را تبلیغ بدانیم، برای این کار و مبارزه با گرایش فزاینده جامعه بسوی مصرف گرایی باید دعوت کنندگان و مبلغان جامعه ـ یعنی روحانیت ـ خود تمایلی به مصرف گرایی نداشته باشند زیرا که ساده زیستی روحانیت، خود، یک امری حیاتی و ضروری می باشد بنابراین روی آوری به تجملات و مصرف گرایی خطری عظیم برای روحانیت می باشد چرا که اگر کسی بخواهد تبلیغ کند و درباره ساده زیستی که موارد تاریخی آن هم کم نیست بپردازد، باید خود دارای آن ویژگی باشد وگرنه دچار مشکل خواهد شد مثلاً روحانی ای که می خواهد بگوید، موسی(ع) برای یک قرص نان مانده، داوود(ع) سبد می بافد و بفروش می گذارد که قرص نان جوئی تهیه کند عیسی(ع) بالشتش سنگ و خورشتش گرسنگی و چراغش ماه و پیامبر اسلام(ص) بر حمار برهنه سوار می شود و کفشش را با دست خود وصله می کرد و پرده گل دوزی شده را حاضر نمی شود بر دیوار ببیند آیا روحانیتی که ساده زیستی نداشته باشد می تواند نامه حضرت علی(ع) را برای مردم قرائت و تفسیر کند که می فرمایند «چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی انتخاب بهترین خوراکیها بکشاند در صورتی که شاید در حجاز و یا یمامه افرادی یافت شوند که امید همین یک قرص نان را هم ندارند و دیر زمانی است که شکمشان سیر نشده است آیا سزاوار است شب را با سیری صبح کنم در صورتی که در اطرافم شکم های گرسنه و جگرهای سوزان قرار دارد.  و داستانها و مثالهای زیادی دیگری که روحانیت به مناسبت ها و اقتضاءات سخنرانی هایشان ایراد می کنند آیا بیان این نوع داستانها، امروزه، تهدیدی برای روحانیت نیست؟! روحانیتی که ساختاری و ذهنیتی در جامعه ایجاد کرده بودند که مردم آنها را پیروان ائمه و امانتدار و جانشین پیامبر و نایب امیرالمؤمنین و ... می دانستند و توقع داشتند که این وارثان انبیاء همچون آنان زندگانی داشته باشند بنابراین اگر یک معممی در رژیم سابق کار خلاف می کرد می گفتند این ساواکی است، این درباری است.  فلذا روحانیت یا باید اذهان را بواسطه بازتعریفی که از زندگی روحانی در عصر حاضر ایجاد شده تغییر دهد یا اینکه خود در آن مسیر تعریف شده قبلی قرار گیرد وگرنه تهدیدی بزرگ در کمین اوست تهدیدی که حتی به مرز حذف او خواهد انجامید و خروج از زیّ روحانیت، خوف شکست اسلام و جمهوری اسلامی را بهمراه خواهد داشت همانگونه که امام خمینی می گویند: من خوف این دارم که در این انقلاب که باید روحانیت تقویت بشود، مبادا خدای ناخواسته به واسطه بعضی از اعمال یک سستی در روحانیت پیدا بشود اگر ما از زی روحانیون خارج بشویم، زیّ که مشایخ ما در طول تاریخ و ائمه هدی سلام اللّه علیهم داشته اند اگر روحانیت خارج بشود خوف این است که یک شکستی به روحانیت وارد آید شکستی که منجر به شکست اسلام می شود چرا که اسلام با استثناء روحانیت محال است که به حرکت خودش ادامه بدهد اینهایند که اسلام را معرفی می کنند و به پیش می برند.  خلاصه کلام اینکه روحانیت باید در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیاء را به آنان محول فرموده است از زی روحانی خود خارج نشوند. |